

تفاوت‌های جنسیتی در ابعاد محتوایی و ساختاری ارزش‌های بنیادی انسانی

Gender differences in content and structure of basic human values

Yadollah Ghasemipour
Malayer University
Somayeh Abbaspour
Psychology

یداله قاسمی پور*
دانشگاه ملایر
سمیه عباس پور
روانشناسی

Abstract

Gender differences in basic human values has been a controversial issue among psychologists. This study investigates gender differences in content and structure of basic human values among students. 204 university students including 98 females and 106 males were selected from Technical-Engineering, Human science, Art and Science schools of Tehran and Beheshti universities. They completed the Schwartz Values Survey (SVS). Data were analyzed using one way analysis of variance (ANOVA). Females had high scores in Tradition, Universalism and Achievement content of values whereas males had only higher scores in value of power. Females also had higher scores in Self-transcendence and Conservation structure of values comparing with male students. Females tended to attach more value to Tradition, Universalism, Achievement, Self-transcendent and conservatism whereas males tended to attach more value to Power. These findings are consistent with traditional values which have been transmitted by parents in a developing country like Iran.

Keywords: basic human values, structure of values, content of values

چکیده

تفاوت‌های جنسیتی در ویژگی‌های روانشناختی از جمله ارزش‌های انسانی موضوع مناقشه بسیاری از روانشناسان بوده است. هدف این مطالعه بررسی تفاوت‌های جنسیتی در ابعاد محتوایی و ساختاری ارزش‌های بنیادی انسانی در میان دانشجویان بود. در قالب طرح علی-مقایسه‌ای، ۲۰۴ دانشجو (۹۸ دختر، ۱۰۶ پسر) از چهار دانشکده فنی-مهندسی، علوم انسانی، هنر و علوم پایه دانشگاه‌های تهران و شهید بهشتی شرکت کردند و به زمینه‌یاب ارزشی شوارتز (SVS) پاسخ دادند. یافته‌ها نشان داد که زنان نمرات بالاتری در ابعاد محتوایی ارزشی سنت‌گرایی، جهان‌شمول‌نگری و پیشرفت کسب کردند در حالی که مردان تنها در ارزش قدرت نمره بالاتری کسب کردند. زنان نمرات بالاتری در ابعاد ساختاری ارزشی تعالی خود و محافظه‌کاری کسب کردند. به‌طور کلی نتایج نشان داد زنان برای ارزش‌های سنت، جهان‌شمول‌نگری، پیشرفت، محافظه‌کاری و تعالی خود اهمیت بیشتری قایل هستند در حالی که برای مردان ارزش قدرت اهمیت بالاتری دارد. تفاوت‌های مربوط به ارزش‌های سنت‌گرایی، قدرت و محافظه‌کاری، هم‌سو با فرهنگ سنتی جامعه ایران است که از طریق والدین به فرزندان منتقل شده است و از سوی دیگر، یافته‌های مربوط به تفاوت در ارزش‌های جهان‌شمول‌نگری، پیشرفت و تعالی خود با شرایط جامعه در حال توسعه ایران هماهنگ است.

واژه‌های کلیدی: ارزش بنیادی انسانی، ساختار ارزش، محتوای ارزش

* نشانی پستی نویسنده: ملایر، کیلومتر ۴ جاده اراک، دانشگاه ملایر، دانشکده ادبیات و علوم انسانی. پست الکترونیکی: ghasemipour@malayeru.ac.ir

Received: 13 Feb 2013 Accepted: 01 Sep 2013

دریافت: ۹۱/۱۱/۲۵ پذیرش: ۹۲/۰۶/۱۰

مقدمه

بیش از یک قرن است که این سوال، ذهن روانشناسان را به خود مشغول کرده است: آیا زنان و مردان از جهت روانشناختی از یکدیگر متمایز هستند؟ این سوال در حوزه ارزش‌های انسانی این گونه مطرح می‌شود که آیا زنان و مردان در ارزش‌هایی که اصول راهنمای آنان در زندگی است، با یکدیگر متفاوت هستند؟ به عبارت دیگر، آیا زنان و مردان در اولویت‌های ارزشی با یکدیگر تفاوت دارند؟ یک ارزش، هدف فراموقعبیتی و بیانگر علایق (فردی، اجتماعی یا هر دو) شخص است که با توجه به حوزه انگیزشی و درجه اهمیتش، به‌عنوان اصول راهنمای فرد در زندگی عمل می‌کند (شوارتز و بیلسکی، ۱۹۸۷). ارزش‌ها بازنمایی‌های شناختی هستند که از الزامات جهان‌شمول ناشی می‌شوند. این الزامات عبارت هستند از: (۱) نیازهای زیست‌شناختی (ارگانسیم)، (۲) تعاملات هماهنگ

بین فردی (تعامل)، و (۳) فشارهای اجتماعی برای بقا و رفاه جامعه (گروه).

شوارتز (۱۹۹۲) نظریه ارزش‌های بنیادی انسانی^۱ را تدوین کرد که دارای دو مولفه هسته‌ای است: مولفه محتوایی و مولفه ساختاری. مولفه محتوایی این نظریه، مجموعه جامعی از ده سازه ارزشی-انگیزشی متمایز است که عبارتند از: همنوایی^۲، سنت^۳، خیرخواهی^۴، جهان‌شمول‌نگری^۵، خودرهنمودی^۶، تحریک‌طلبی^۷، لذت‌گرایی^۸، پیشرفت^۹، قدرت^{۱۰}، ایمنی^{۱۱}. مولفه ساختاری این نظریه عبارت است از: تعالی خود^{۱۲} در برابر گسترش خود^{۱۳} و آمادگی به تغییر^{۱۴} در برابر محافظه‌کاری^{۱۵}. هر سازه ممکن است از یک یا چند منبع جهان‌شمول استخراج شده باشد. به عنوان مثال همنوایی از دو منبع روابط هماهنگ بین فردی و بقای گروه نشأت گرفته است. در جدول ۱ جزئیات محتوای ارزشی شوارتز آمده است.

جدول ۱

محتوای ارزشی، تعاریف و منابع ارزش‌های بنیادی انسانی شوارتز (۱۹۹۲)

منابع	ارزش‌های معرف	تعریف	سازه انگیزشی
تعامل، گروه	قدرت اجتماعی، اقتدار، ثروت، حفظ وجهه اجتماعی، تشخص اجتماعی	مقام و منزلت اجتماعی، کنترل و تسلط بر افراد و منابع	قدرت
تعامل، گروه	موفق، توانا، بلندپرواز، تاثیرگذار، باهوش، احترام به خود	موفقیت شخصی با نشان دادن توانایی بر اساس معیارهای اجتماعی	پیشرفت
ارگانسیم	لذت، زندگی لذت‌بخش	لذت و ارضای جسمانی خود	لذت‌گرایی
ارگانسیم	متهور، زندگی متنوع، زندگی هیجانی	تهییج، تازگی و چالش در زندگی	تحریک‌طلبی
ارگانسیم، تعامل	خلاقیت، آزادی، مستقل، کنجکاو، انتخاب اهداف خود	فکر و عمل مستقل، خلاق و کاوش‌گر	خودرهنمودی
ارگانسیم، گروه	دارای وسعت نظر، خرد، عدالت اجتماعی، برابری، صلح جهانی، جهان زیبا، یکی‌شدن با طبیعت، حفظ محیط زیست، توازن درونی	تفاهم، قدردانی، تحمل و حمایت از رفاه همگانی و طبیعت	جهان‌شمول‌نگری
ارگانسیم، تعامل، گروه	یاری‌رسان، راستگو، بخشاینده، وفادار، مسوولیت‌پذیر، دوستی واقعی، زندگی معنوی، عشق کامل، معنا دادن به زندگی	حفظ و ارتقای رفاه افرادی که فراد به فراوانی با آنها در ارتباط است	خیرخواهی

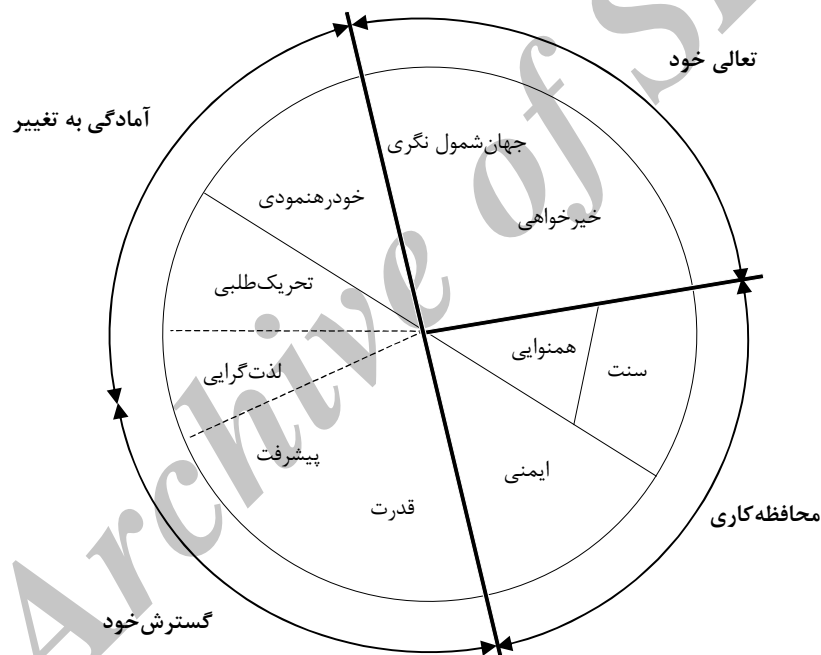
8. hedonism
9. achievement
10. power
11. security
12. self-transcendent
13. self-enhancement
14. openness to change
15. conservation

1. basic human values
2. conformity
3. tradition
4. benevolence
5. universalism
6. self-direction
7. stimulation

ادامه جدول ۱

سنت	احترام، تعهد و پذیرش رسوم و عقایدی که فرهنگ سنتی یا مذهب به فرد داده است	فروتن، پذیرش سهم خود از زندگی، دین‌دار، احترام به سنت، میانه‌رو، خلوت	گروه
همنوایی	بازداری اعمال، تمایلات و تکانه‌هایی که احتمالاً دیگران را ناراحت می‌کند یا به آنها آسیب می‌رساند و انتظارات و هنجارهای اجتماعی را می‌شکند	نزاکت، مطیع، منضبط، احترام به والدین و بزرگترها	تعامل، گروه
ایمنی	ایمنی، همخوانی و ثبات اجتماعی در مورد روابط با دیگران و خود	امنیت خانوادگی، امنیت ملی، نظم اجتماعی، پاکیزه، کمک متقابل، تندرست، تعلق خاطر	ارگانسیم، تعامل، گروه

در شکل ۱ روابط میان ابعاد محتوایی و ساختاری ارزشی که برای اولین بار توسط شوارتز (۱۹۹۴) مطرح شد، نشان داده شده است.



شکل ۱

روابط بین ابعاد محتوایی و ساختاری نظام ارزشی (اقتباس از شوارتز، ۱۹۹۴)

رفتارهای سنتی و ثبات تاکید دارند (امنیت، هم‌رنگی و سنت) قرار می‌گیرند. بعد دوم، تعالی خود در برابر گسترش خود است. در این بعد ارزش‌هایی که به پذیرش دیگران به عنوان انسان‌های برابر و اهمیت دادن به رفاه آنان تاکید دارند (جهان‌شمول‌نگری و خیرخواهی) در تعارض با ارزش‌هایی که

در نظریه شوارتز تعارض بین ارزش‌ها به صورت دو بعد دو قطبی نشان داده شده است. یکی از این ابعاد، بعد آمادگی به تغییر در برابر محافظه‌کاری است. در این بعد، ارزش‌هایی که به استقلال فکر و رفتار و تغییر تاکید دارند (خودرهنمودی و تحریک‌طلبی) در تعارض با ارزش‌هایی که به اطاعت، حفظ

منفی را دارد. پرینس-گیسون و شوارتز (۱۹۹۸) نتیجه گرفتند مردان و زنان اهمیت ارزش‌ها را به گونه یکسان نمره‌گذاری می‌کنند. هر دو گروه، ارزش‌های ایمنی، جهان‌شمول‌نگری و خیرخواهی را به عنوان مهم‌ترین ارزش، و ارزش‌های قدرت، سنت و تحریک‌طلبی را به عنوان کم اهمیت‌ترین ارزش‌ها انتخاب می‌کنند. یگلتنو و راجو (۲۰۰۹) دریافتند ارزش‌های سنت، خیرخواهی و هم‌نوایی برای زنان مهم‌تر است در حالی که برای مردان ارزش‌های خودرهنمودی، پیشرفت و تحریک طلبی مهم‌تر بود. نا و داکیت (۲۰۰۳) نشان دادند مردان به نسبت زنان برای بعد ساختاری ارزشی "باز بودن به تغییر" اهمیت بیشتری قایل هستند. همچنین، پژوهش‌هایی بین‌فرهنگی پیرامون تفاوت‌های جنسیتی در ارزش‌ها صورت گرفته است. شوارتز و همکاران (۲۰۰۱) نتیجه‌گیری کردند زنان فلسطین اشغالی اهمیت بیشتری به ارزش‌های خیرخواهی در مقایسه با مردان می‌دهند در صورتی که در آفریقای جنوبی زنان به نسبت مردان اهمیت بیشتری به ارزش‌های سنت می‌دهند و در ایتالیا مردان به نسبت زنان اهمیت بیشتری به ارزش‌های تحریک‌طلبی می‌دهند. جنسیت از جمله متغیرهایی است که از طریق اثرگذاری بر فرایند اجتماعی شدن، تجارب یادگیری، نقش‌ها و انتظارات اجتماعی در اولویت‌های ارزشی تاثیرگذار است. از سوی دیگر نتایج پژوهش‌های انجام شده پیرامون تفاوت‌های جنسیتی در ارزش‌ها با یکدیگر همخوان نیستند. احتمالاً ویژگی‌های جمعیت‌شناختی و فرهنگی از جمله عواملی است که می‌تواند در این مورد موثر باشد. در کشور ما مطالعات اندکی پیرامون تفاوت‌های جنسیتی در ارزش‌های انسانی صورت گرفته است. بنابراین، در این پژوهش سعی بر آن است تا (۱) تفاوت‌های جنسیتی در ابعاد محتوایی و ساختاری ارزش‌ها در جمعیت ایرانی مورد بررسی قرار گیرد، و (۲) این تفاوت‌ها به صورت مشخص در جامعه جوان بررسی شود.

روش

جامعه آماری، نمونه و روش اجرای پژوهش: جامعه آماری این پژوهش، دانشجویان مقاطع مختلف دانشگاه‌های شهر تهران است که از میان آنها، دو دانشگاه تهران و شهید بهشتی انتخاب شده‌اند. در این پژوهش ۲۰۴ دانشجو، ۹۸ زن و ۱۰۶ مرد

به موفقیت شخصی و تسلط بر دیگران تاکید دارند (قدرت و پیشرفت) قرار می‌گیرند. لذت‌گرایی هم به آمادگی به تغییر و هم به گسترش خود مرتبط است (شوارتز، ۱۹۹۴؛ قاسمی پور، ۱۳۹۰). روابط پویایی و ساختار این ارزش‌ها تحت تاثیر فرهنگ و همچنین تحولات سیاسی-اجتماعی جوامع است (دلخموش و احمدی مبارکه، ۱۳۹۱). تغییر در ریخت‌های ارزشی و الگوی روابط بین آنها در جامعه ایران در بین بزرگسالان (دلخموش و احمدی مبارکه، ۱۳۹۰، ۱۳۹۱) و نوجوانان (دلخموش، ۱۳۸۴، ۱۳۸۵) مطالعه شده است.

اولویت‌های ارزشی که افراد در زندگی خود دارند منعکس کننده خلق و خو، شخصیت، تجارب اجتماعی منحصر به فرد و فرهنگ آنها است (اسمیت و شوارتز، ۱۹۹۷؛ روکیچ، ۱۹۷۳؛ کوهن و اسکولر، ۱۹۸۳). از سوی دیگر، سن، تحصیلات، جنسیت از متغیرهایی هستند که از طریق اثرگذاری بر فرایند اجتماعی شدن، تجارب یادگیری، نقش‌ها و انتظارات اجتماعی در اولویت‌های ارزشی اثر گذار هستند (شوارتز، ۲۰۰۲). پژوهش‌هایی پیرامون رابطه بین سن و ارزش‌های انسانی (شوارتز، ۲۰۰۲) و تحصیلات و ارزش‌های انسانی (اسمیت و شوارتز، ۱۹۹۷؛ شوارتز، ۲۰۰۲؛ شوارتز و همکاران، ۲۰۰۱) صورت گرفته است. همچنین پژوهش‌هایی (پرینس-گیسون و شوارتز، ۱۹۹۸؛ نا و داکیت، ۲۰۰۳؛ یگلتنو و راجو، ۲۰۰۹) رابطه جنسیت و ارزش‌های انسانی را بررسی کرده‌اند. پژوهشگران اندکی به نظام ارزشی دانشجویان در ایران توجه کرده‌اند. اکثر مقالات بیشتر مرتبط با هدفمندی بوده تا محتوای خود ارزش‌ها و اهداف (حمزه‌زاده، باقریان و منصوری‌سپهر، ۱۳۹۱؛ هاشمی، مصطفوی، ماشینی‌عباسی، بدری، ۱۳۹۱).

نتایج بررسی‌های شوارتز (۲۰۰۲) نشان می‌دهد سن، بیشترین همبستگی مثبت را با ارزش‌های محافظه‌کاری (سنت، هم‌نوایی، ایمنی) و تعالی خود (خیرخواهی، جهان‌شمول‌نگری) و بیشترین همبستگی منفی را با ارزش‌های آمادگی برای تغییر (خودرهنمودی و تحریک‌طلبی) و گسترش خود (قدرت، پیشرفت و لذت‌گرایی) دارد. نتایج پژوهش‌های دیگر (اسمیت و شوارتز، ۱۹۹۷؛ شوارتز، ۲۰۰۲؛ شوارتز و همکاران، ۲۰۰۱) نشان داد تحصیلات با ارزش‌های خودرهنمودی بیشترین رابطه مثبت و با ارزش‌های هم‌نوایی، سنت و ایمنی بیشترین رابطه

دو هفته مورد تایید قرار گرفت. در این مطالعه، سازه‌های ده‌گانه ارزشی از ضرایب پایایی قابل قبولی برخوردار بودند: ایمنی ۰/۷۸، قدرت ۰/۸۶، پیشرفت ۰/۸۳، لذت‌جویی ۰/۸۶، تحریک‌طلبی ۰/۸۱، خودرهنموددهی ۰/۷۸، جهان‌شمول‌نگری ۰/۸۱، خیرخواهی ۰/۷۸، سنت ۰/۸۰، هم‌نوایی ۰/۷۷ (دلخموش، ۱۳۸۵).

این زمینه‌یاب شامل ۵۷ گویه ارزشی منفرد است که برای سنجش ده سازه ارزشی سطح بالای انگیزشی انتخاب شده‌اند. ارزش‌های زمینه‌یاب ارزشی شوارتز در سطح دو مجموعه ارزشی قرار می‌گیرند که عبارتند از: ۱) فهرستی که به شکل اسم مصدر ارایه می‌شوند، مانند فرمانبرداری، و ۲) فهرستی که به شکل صفت ارایه می‌شوند، مانند مستقل. تکلیف آزمودنی این است که درجه اهمیتی که هر ارزش به منزله یک اصل راهنما در زندگی وی دارد، در مقیاس ۹ درجه ای از ۱- تا ۷ (-۱) = مخالف ارزش‌های من، ۰ = بی‌اهمیت و ۷ = عالی‌ترین درجه اهمیت) درجه‌بندی کند. میانگین نمرات به‌دست‌آمده از ارزش‌های معرف سازه‌های ارزشی، نشان‌دهنده اهمیتی است که آزمودنی به آن ارزش می‌دهد. هم‌چنین این زمینه‌یاب دو بعد ساختاری گشودگی به تغییر در برابر محافظه‌کاری و تعالی خود در برابر گسترش خود را می‌سنجد.

یافته‌ها

جدول ۲ شاخص‌های آماری شرکت‌کنندگان را در دانشکده‌های مختلف نشان می‌دهد.

شرکت کردند. حجم نمونه برای تحلیل واریانس یک راهه مطابق با نظر متخصصان (کامری و لی^۱، ۱۹۹۲؛ به نقل از مک کالوم، ویدامن، ژنگ و هونگ، ۱۹۹۹) حداقل ۲۰۰ نفر توصیه شده است. دامنه سنی این دانشجویان بین ۱۸ تا ۳۱، با میانگین ۲۱/۷۳ سال بود. ۱۹۴ نفر (۹۵/۱٪) مجرد و ۹ نفر (۴/۴٪) متاهل بودند. این دانشجویان در زمان نمونه‌گیری در مقاطع مختلف مشغول به تحصیل بودند. روش نمونه‌گیری در دسترس برای انتخاب آزمودنی‌ها به‌کار برده شد. به این صورت که از میان دانشگاه‌های شهر تهران، دو دانشگاه تهران و دانشگاه شهید بهشتی و از میان دانشکده‌های این دو دانشگاه چهار دانشکده فنی- مهندسی، علوم پایه، علوم انسانی و هنر انتخاب شدند. سپس پرسشنامه‌ها به صورت انفرادی در میان آزمودنی‌هایی که در این دانشکده‌ها داوطلب شرکت در پژوهش بودند توزیع و در حضور پژوهش‌گر تکمیل شدند.

ابزار سنجش

زمینه‌یاب ارزشی شوارتز (SVS): زمینه‌یاب ارزشی شوارتز^۲، ارزش‌های جهان‌شمول انسانی را می‌سنجد و در دامنه وسیعی از فرهنگ‌ها به تایید رسیده است (برگس، شوارتز و بلکول، ۱۹۹۴؛ شوارتز، ۱۹۹۲، ۱۹۹۴؛ شوارتز و برادی، ۲۰۰۱). یافته‌های پژوهشی (دلخموش، ۱۳۸۵؛ دلخموش و احمدی مبارکه، ۱۳۹۱) در نمونه‌های ایرانی، روایی الگوی نظری معنا و ساختار ارزش‌ها را در حد وسیعی مورد تایید قرار داده‌اند. یافته‌های پایایی آن در یک نمونه ایرانی مشتمل بر ۱۲۰ دانشجوی دختر و پسر از طریق روش باز آزمایی به فاصله

جدول ۲

تعداد و درصد نمونه پژوهش بر اساس دانشکده‌ها و مقطع تحصیلی

دانشکده	مقطع	فراوانی	درصد
انسانی	فوق دیپلم	۲	۳/۸
	کارشناسی	۴۲	۷۹/۲
	کارشناسی ارشد	۹	۱۷

1. Comrey, A. L., & Lee, H. B.
2. Schwartz Values Survey (SVS)

ادامه جدول ۲

۳/۹	۲	فوق دیپلم	هنر
۸۰/۴	۴۱	کارشناسی	
۱۵/۷	۸	کارشناسی ارشد	
۱۰۰	۵۱	کل	
۹۱/۷	۴۴	کارشناسی	فنی
۶/۲	۳	کارشناسی ارشد	
۲/۱	۱	دکتری	
۱۰۰	۴۸	کل	
۹۴/۲	۴۹	کارشناسی	علوم پایه
۵/۸	۳	کارشناسی ارشد	

همان طور که جدول ۲ نشان می‌دهد بیشترین فراوانی در هر کدام از دانشکده‌ها مربوط به مقطع کارشناسی است. همچنین این جدول نشان می‌دهد نمونه پژوهش از هر دانشکده، تقریباً به تعداد مساوی انتخاب شده است. میانگین و انحراف استاندارد بعد محتوایی ارزش‌های بنیادی برای دو گروه زن و مرد در جدول ۳ آمده است. همان طور که این جدول نشان می‌دهد، میانگین نمره زنان در تمام ارزش‌ها به استثنای تحریک‌طلبی از میانگین نمرات مردان بالاتر است.

جدول ۳

میانگین و انحراف استاندارد متغیرهای بعد محتوایی ارزشی برای دو گروه زن و مرد

انحراف استاندارد		میانگین		محتوای ارزش‌ها
مرد	زن	مرد	زن	
۱/۲۵	۱/۲۶	۴/۱۶	۴/۳۵	همنوایی
۱/۵۴	۱/۴۶	۳/۰۸	۳/۶۱	سنت
۱/۰۰	۱/۱۱	۴/۶۸	۴/۷۶	خیرخواهی
۰/۹۸	۰/۷۷	۴/۱۹	۴/۶۰	جهانشمول‌نگری
۱/۰۱	۰/۸۱	۴/۶۸	۴/۷۸	خودرهنمودی
۱/۵۳	۱/۴۷	۳/۷۴	۳/۶۸	تحریک‌طلبی
۱/۵۷	۱/۶۱	۴/۱۱	۳/۹۵	لذت‌گرایی
۰/۸۴	۰/۷۱	۵/۰۴	۵/۳۰	پیشرفت
۱/۳۱	۱/۴۰	۳/۸۵	۳/۳۵	قدرت
۰/۸۹	۰/۸۶	۴/۶۱	۴/۸۱	ایمنی

میانگین و انحراف استاندارد بعد ساختاری ارزش‌های بنیادی برای دو گروه زن و مرد در جدول ۴ نشان داده شده است. همان طور که در این جدول آمده است، میانگین نمره زنان در ارزش‌های بعد ساختاری به استثنای بعد گسترش خود بیشتر از مردان است.

جدول ۴

میانگین و انحراف استاندارد بعد ساختاری ارزشی برای دو گروه زن و مرد

انحراف استاندارد		میانگین		ساختار ارزش‌ها
مرد	زن	مرد	زن	
۰/۷۲	۰/۶۶	۴/۶۴	۴/۸۹	تعالی خود
۱/۱۶	۱/۲۱	۳/۹۸	۳/۶۵	گسترش خود
۰/۸۳	۰/۷۶	۴/۳۹	۴/۴۳	آمادگی به تغییر
۱/۰۰	۱/۰۱	۳/۹۵	۴/۲۶	محافظه‌کاری

به منظور بررسی تفاوت‌های جنسیتی در ابعاد محتوایی و نمرات میانگین ابعاد محتوایی و ساختاری ارزشی در بین دو ساختاری ارزش‌های بنیادی انسانی از روش تحلیل واریانس جنس مورد مقایسه قرار گرفتند. نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه یک‌راهه استفاده شد. برای این منظور، ابعاد محتوایی و ساختاری به صورت جداگانه بررسی شدند. در مورد هر کدام داده شده است.

جدول ۵

اثر بین آزمودنی آزمودنی‌ها در بعد محتوایی ارزشی در دو گروه زن و مرد

متغیر	میانگین مجذورات	درجه آزادی	شاخص F	ضریب جزئی اتا
همنوایی	۱/۹۶	۱	۱/۲۴	۰/۰۰۶
سنت	۱۴/۴۹	۱	۶/۳۹*	۰/۰۳۱
خیرخواهی	۰/۳۸	۱	۰/۳۴	۰/۰۰۲
جهانشمول‌نگری	۸/۴۵	۱	۱۰/۵۹***	۰/۰۵۰
خودرهنمودی	۰/۴۸	۱	۰/۵۶	۰/۰۰۳
تحریک‌طلبی	۰/۱۸	۱	۰/۰۸	۰/۰۰۰
لذت‌گرایی	۱/۱۵	۱	۰/۴۵	۰/۰۰۲
پیشرفت	۳/۵۳	۱	۵/۶۸*	۰/۰۲۷
قدرت	۱۲/۸۶	۱	۶/۹۲**	۰/۰۳۳
ایمنی	۱/۹۹	۱	۲/۵۹	۰/۰۱۳

* $p < 0.05$ ** $p < 0.01$ *** $p < 0.001$

نسبت به مردان برای ارزش سنت اهمیت بیشتری قابل هستند. همان‌طور که جدول ۳ نشان می‌دهد میانگین گروه مردان در بعد محتوایی قدرت ($M = 3/85$) بیشتر از میانگین گروه زنان ($M = 3/35$) است. این یافته نشان می‌دهد مردان در مقایسه با زنان برای ارزش قدرت اهمیت بیشتری قابل هستند. نتایج تحلیل واریانس یک‌راهه بعد ساختاری ارزشی در دو گروه زن و مرد در جدول ۶ نشان داده شده است.

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد تفاوت زنان و مردان در بعد محتوایی ارزش‌های سنت ($F = 6/39$; $p < 0.05$)، جهانشمول‌نگری ($F = 10/59$; $p < 0.01$)، پیشرفت ($F = 5/68$; $p < 0.05$) و قدرت ($F = 6/92$; $p < 0.01$) معنادار است. طبق جدول ۳ میانگین گروه زنان به ترتیب در بعد محتوایی ارزش‌های سنت، جهانشمول‌نگری و پیشرفت ($M_S: 3/61 > 3/08, 4/60 > 4/19, 5/30 > 5/04$) بیش‌تر از میانگین گروه مردان است. این یافته به این معنا است که زنان

جدول ۶

اثر بین آزمودنی ابعاد ساختاری ارزشی در دو گروه زن و مرد

متغیر	میانگین مجذورات	درجه آزادی	شاخص F	ضریب جزئی اتا
تعالی خود	۳/۲۵	۱	۶/۶۸**	۰/۰۳۲
گسترش خود	۵/۴۳	۱	۳/۸۵	۰/۰۱۹
آمادگی به تغییر	۰/۰۷	۱	۰/۱۱	۰/۰۰۱
محافظه کاری	۴/۸۷	۱	۴/۸۲*	۰/۰۲۳

* $p < 0.05$, ** $p < 0.01$

باورهای سنتی و مذهبی قد علم می‌کنند. در حالی که مردان، با عدم پذیرش باورهای سنتی کمتر از سوی جامعه طرد می‌شوند.

شوارتز و همکاران (۲۰۰۱) نشان دادند همبستگی میان ارزش‌ها و جنسیت ضعیف است و فرهنگ نقش تعیین کننده‌تری دارد. برای مثال زنان فلسطین اشغالی اهمیت بیشتری به ارزش خیرخواهی در مقایسه با مردان می‌دهند، در حالی که در آفریقای جنوبی زنان نسبت به مردان اهمیت بیشتری به ارزش سنت می‌دهند. هم‌چنین می‌توان گفت از آن جایی که در هر فرهنگی تفاوت‌های جنسیتی در اولویت‌های ارزشی فرق می‌کند، در فرهنگ ما باور به ارزش‌های سنتی برای زنان ارزشمندتر است.

این یافته که زنان در مقایسه با مردان اهمیت بیشتری برای ارزش پیشرفت قایل هستند به این معنا است که موفقیت شخصی با نشان دادن توانایی براساس معیارهای اجتماعی برای مثال موفق بودن، بلندپروازی برای زنان مهم‌تر از مردان است. این یافته ناهمسو با نظر باکان (۱۹۶۶) است که معتقد بود مردان جهت‌گیری ملیت‌گرا^۱ (برای مثال ابزاری^۲ و بیانی^۳) با تاکید بر ابراز خود^۴ دارند در حالی که زنان جهت‌گیری ارتباطی^۵ (برای مثال مهربان و موافق) با تاکید بر همکاری و مراقبت از دیگران دارند. نتایج با نظر روکیچ (۱۹۷۳) نیز ناهماهنگ است که ادعا می‌کند مردان در مقایسه با زنان جهت‌گیری به سمت پیشرفت و رشد عقلی دارند. این نتایج را

مطابق جدول ۶ تفاوت زنان و مردان در بعد ساختاری ارزش‌های تعالی خود ($F = 6.68$; $p < 0.01$) و محافظه کاری ($F = 4.82$; $p < 0.05$) معنادار است. همان‌طور که در جدول ۴ مشاهده می‌شود میانگین گروه زنان در بعد ساختاری تعالی خود و محافظه کاری به ترتیب $(M_s = 4.19$ و 4.26) بیشتر از میانگین گروه مردان در این ارزش‌ها (3.95 و 4.64) است. این یافته، نشان می‌دهد زنان در مقایسه با مردان برای ارزش‌های تعالی خود و محافظه کاری اهمیت بالاتری قایل هستند.

بحث

یافته‌های مربوط به تفاوت‌های جنسیتی در سازه‌های ارزشی نشان می‌دهد زنان در مقایسه با مردان نمرات بالاتری در بعد محتوایی ارزشی سنت، پیشرفت و جهان‌شمول‌نگری دارند در حالی که مردان به نسبت زنان نمره بالاتری در سازه ارزشی قدرت کسب کردند. این یافته که ارزش سنت برای زنان مهم‌تر از مردان است، این معنا را دارد که در جامعه ما زنان احترام، تعهد و پذیرش بیشتری نسبت به عقاید و رسوم سنتی و باورهای مذهبی دارند. این یافته همسو با نتایج یگلتو و راجو (۲۰۰۹) است که نشان دادند ارزش‌های سنت و هم‌نواپی برای زنان مهم‌تر است. این یافته را می‌توان این‌گونه تبیین کرد، فرهنگ صرف نظر از تعریف خاصی که از جنسیت دارد تلاش می‌کند دختران و پسران را به بزرگسالانی با نقش مردانه و زنانه تبدیل کند. در جامعه ما فروتن بودن، قانع بودن و پای‌بندی بیشتر به باورهای مذهبی و زندگی معنوی (ارزش سنت) نقشی زنانه محسوب می‌شود. زنانی که بیشتر پای‌بند سنت‌ها و آداب و رسوم هستند مثبت‌تر ارزیابی می‌شوند تا زنانی که علیه

1. agentic
2. instrumental
3. expressive
4. self-assertation
5. coummunal

می‌توان این گونه تبیین کرد، در میان نسل فعلی زنان در جامعه ما موفقیت و پیشرفت اهمیت دارد. امروزه دیگر مانند گذشته تابو نیست که زنان، اولویت‌های ارزشی مثل پیشرفت را که در گذشته مردانه بوده است، دنبال کنند. آمار بالای قبولی دختران دانشجو در دانشگاه‌ها حاکی از آن است که ارزش پیشرفت برای زنان مهم‌تر از مردان است. همچنین افزایش فرصت‌های شغلی و تحصیلی این امکان را برای زنان فراهم کرده است تا نقش‌های خود را همزمان در دو حوزه کار و خانواده دنبال کنند. این یافته همسو با نتایج برخی پژوهش‌ها (لیونس، داکس‌بری و هیگینس، ۲۰۰۵) است که نشان دادند زنان بیشتر از مردان به ارزش پیشرفت اهمیت می‌دهند. البته این یافته در نمونه دختران دانشجو به دست آمده است و طبیعی است دخترانی که از سد بزرگ کنکور عبور کرده‌اند ارزش بالایی برای پیشرفت قایل باشند.

یافته‌های مربوط به تفاوت‌های جنسیتی در بعد ساختاری ارزش‌ها نشان می‌دهد زنان در مقایسه با مردان نمرات بالاتری در بعد ساختاری تعالی خود دارند. این یافته به این معنا است که ارزش‌هایی که به پذیرش دیگران به عنوان انسان‌های برابر و اهمیت دادن به رفاه آنان تاکید دارند (جهان‌شمول‌نگری و خیرخواهی) برای زنان نسبت به مردان اهمیت بالاتری دارد. این یافته همسو با نتایج شوارتز (۱۹۹۲) است که نشان می‌دهد زنان به آیتم‌های مرتبط با تعالی خود (خیرخواهی و جهان‌شمول‌نگری) بیشتر از مردان اهمیت می‌دهند. این یافته را این گونه می‌توان تبیین کرد که از جهت تکاملی برای زنان سازگارانه‌تر بوده است به ارزش‌هایی که توجه به حفظ و مراقبت از دیگران دارد بیشتر بها دهند. در فرایند اجتماعی شدن از دختران بیشتر از پسران انتظار می‌رود بخشنده و صادق باشند و به دیگران کمک کنند. همچنین بیشتر از دختران انتظار می‌رود در برابر اندیشه‌های مخالف صبور باشند، برای برابری انسان‌ها ارزش قایل شده و طالب صلح و امنیت باشند. همچنین این یافته با نتایج فدر و پی (۱۹۷۵) هماهنگ است که نشان دادند ارزش‌های بخشنده بودن، یاری‌گر بودن، مودب بودن با جهت‌گیری زنانه ارتباط دارد.

یافته دیگر نشان می‌دهد زنان در مقایسه با مردان اهمیت بیشتری به ساختار ارزشی محافظه‌کاری (ارزش‌های سنت، همنوایی و ایمنی) می‌دهند. این یافته به این معنا است که زنان برای ارزش‌هایی که به استقلال فکر و رفتار، و تغییر تاکید دارند (خودرهنمودی و تحریک‌طلبی) اهمیت کمتری می‌دهند و برعکس به ارزش‌هایی که به اطاعت، حفظ رفتارهای سنتی و ثبات تاکید دارند (امنیت، هم‌رنگی و سنت) اهمیت بیشتری

می‌توان این گونه تبیین کرد، در میان نسل فعلی زنان در جامعه ما موفقیت و پیشرفت اهمیت دارد. امروزه دیگر مانند گذشته تابو نیست که زنان، اولویت‌های ارزشی مثل پیشرفت را که در گذشته مردانه بوده است، دنبال کنند. آمار بالای قبولی دختران دانشجو در دانشگاه‌ها حاکی از آن است که ارزش پیشرفت برای زنان مهم‌تر از مردان است. همچنین افزایش فرصت‌های شغلی و تحصیلی این امکان را برای زنان فراهم کرده است تا نقش‌های خود را همزمان در دو حوزه کار و خانواده دنبال کنند. این یافته همسو با نتایج برخی پژوهش‌ها (لیونس، داکس‌بری و هیگینس، ۲۰۰۵) است که نشان دادند زنان بیشتر از مردان به ارزش پیشرفت اهمیت می‌دهند. البته این یافته در نمونه دختران دانشجو به دست آمده است و طبیعی است دخترانی که از سد بزرگ کنکور عبور کرده‌اند ارزش بالایی برای پیشرفت قایل باشند.

یافته دیگر این است که زنان نسبت به مردان، برای ارزش جهان‌شمول‌نگری اهمیت بیشتری قایل هستند. این یافته به این معنا است که زنان اهمیت بیشتری به برابری، تحمل و رفاه همگانی می‌دهند. این یافته همسو با نظریه باکان (۱۹۶۶) است که زنان را دارای جهت‌گیری ارتباطی می‌داند، یعنی برای زنان همکاری و مراقبت از دیگران در اولویت است. این یافته را می‌توان این گونه تبیین کرد، مطابق نقش‌های جنسیتی که فرهنگ به زنان می‌آموزد، از زنان انتظار می‌رود که برای برابری، تفاهم و توجه به بهزیستی و رفاه دیگران نسبت به مردان اهمیت بیشتری قایل باشند. همچنین از جهت تکاملی، طبیعت به زنان مسوولیت مراقبت از فرزندان را داده است. این امر برای زنان از جهت تکاملی سازگارانه‌تر بوده است که به جای این‌که فقط به بهزیستی خود بپردازند، به حفظ بهزیستی دیگران نیز توجه داشته باشند. همچنین این یافته با نتایج پژوهش‌های قبلی (روکیچ، ۱۹۷۳؛ فدر، ۱۹۸۷) همسو است. نتایج آنان نشان داد زنان اهمیت بیشتری برای برابری و ارزش جهان‌شمول‌نگری قایل هستند.

یافته دیگر این است که مردان نسبت به زنان به ارزش قدرت، اهمیت بیشتری می‌دهند. این یافته به این معنا است که به دست آوردن مقام و منزلت اجتماعی، کنترل و تسلط بر افراد و منابع برای مردان مهم‌تر است. این یافته همسو با نظریه باکان

برخی محدودیت‌های روش‌شناختی پژوهش حاضر، تعمیم‌پذیری نتایج آن را با محدودیت مواجه می‌سازد. نخست، استفاده از ابزار خودگزارش‌گری به جای مشاهده رفتار واقعی ممکن است به پاسخ‌های کاذب برای کسب تایید اجتماعی منجر شده باشد. دوم، یافته‌ها ممکن است نتواند قابل تعمیم به غیر دانشجویان باشد چرا که تفاوت قابل ملاحظه‌ای میان جمعیت دانشجوی و غیردانشجو وجود دارد. سوم، حجم نمونه نسبتاً کوچک است و چهارم آن که کنترل نظام‌دار متغیرهای جمعیت‌شناختی صورت نگرفته است.

پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی به جای استفاده صرف از ابزارهای پرسشنامه‌ای از مشاهده رفتار واقعی و مصاحبه جهت سنجش استفاده شود. علاوه بر آن، در میان جمعیت جوان غیر دانشجوی پژوهش‌های دیگری صورت گیرد و تفاوت‌ها و شباهت‌ها میان جمعیت دانشجوی و غیر دانشجوی بررسی شود. متغیرهای جمعیت‌شناختی و متغیرهایی چون سطح درآمد و وضعیت اجتماعی-اقتصادی دقیق‌تر کنترل شود و پژوهش‌های دیگری با حجم نمونه بزرگ‌تر انجام شود.

دلخموش، م. ت.، و احمدی مبارکه، م. (۱۳۹۱). ویژگی‌های مختص به فرهنگ در ارزش‌های ایرانیان: بررسی در سه نمونه از سه نسل. *فصلنامه روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۳۴، ۱۲۷-۱۰۷.

قاسمی پور، ی. (۱۳۹۰). تبیین ساز و کار اثر بخشی مصاحبه انگیزشی در رفتارهای سلامت بر اساس نظریه خود تعیین‌گری و ارزش سلامت در بیماری قلبی-عروقی. رساله دکتری چاپ نشده، دانشگاه تهران.

هاشمی، ت.، مصطفوی، ف.، ماشینچی‌عباسی، ن.، و بدری، ر. (۱۳۹۱). نقش جهت‌گیری هدف، خودکارآمدی خودتنظیم‌گری و شخصیت در تعلل ورزی. *دوفصلنامه روانشناسی معاصر*، ۱۳، ۸۴-۷۳.

می‌دهند. این یافته همسو با نتایج شوارتز (۱۹۹۲) است که نشان می‌دهد ارزش‌های مرتبط با محافظه‌کاری یعنی سنت، همنوایی و ایمنی در زنان بیشتر از مردان مشاهده می‌شود. این یافته را می‌توان این گونه تبیین کرد، والدین رفتارهای جنسیتی مناسب و نامناسب را به شیوه متفاوت پاداش داده یا تنبیه می‌کنند. مشاهده کودکان پیش دبستانی نشان داده است دختران به خاطر دوییدن، جست و خیز کردن و بالا رفتن از درخت و دیوار سرزنش می‌شوند و به خاطر بازی با عروسک و دور و بر بزرگسالان بودن پاداش می‌بینند (فاگوت، ۱۹۷۸). در جامعه ما تحریک‌طلبی یا دنبال‌کردن ارزش‌های تهور یا هیجان‌طلبی برای زنان پذیرفته شده نیست و از زنان انتظار می‌رود ماجراجو نباشند. همچنین ارزش‌های فرهنگی حاکم بر جامعه ما به زنان آموخته است به امنیت و ثبات و هم‌رنگی بیشتر اهمیت بدهند. ارزش‌های محافظه‌کاری هماهنگ با ارزش‌های مذهبی و خانوادگی است. برای زنان در جامعه ما خانواده در اولویت بالایی قرار دارد و حتی برای زنان در جامعه ما دنبال‌کردن ارزش‌هایی چون پیشرفت و استقلال تا جایی ممکن است که به خانواده آسیبی وارد نسازد.

مراجع

- حمزه‌زاده، م.، باقریان، ف.، و منصور سیه‌پر، ر. (۱۳۹۱). تاثیر خوش‌بینی بر سوگیری توجه در تعامل با هدف‌داری. *دوفصلنامه روانشناسی معاصر*، ۱۴، ۵۰-۴۱.
- دلخموش، م. ت. (۱۳۸۴). شناسایی محتوا و ساختار ارزش‌های انسانی در دانشجویان ایرانی. *فصلنامه روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۵، ۳۴-۱۵.
- دلخموش، م. ت. (۱۳۸۵). سلسله مراتب ارزشی دانشجویان ایرانی. *فصلنامه روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۸، ۳۱۸-۲۹۹.
- دلخموش، م. ت.، و احمدی مبارکه، م. (۱۳۹۰). محتوا و ساختار ارزش‌ها در نوجوانان ایرانی. *فصلنامه روانشناسی تحولی: روانشناسان ایرانی*، ۲۹، ۲۶-۵.

References

- Bakan, D. (1966). *The duality of human existence*. Chicago: Rand McNally.
- Burgess, S. N., Schwartz, S. H., & Blackwell, R. D. (1994). Do values share universal contents and structure? *South African Journal of Psychology*, 24, 1-12.
- Feather, N. T. (1987). Gender differences in values: Implications of the expectancy value model. In F. Holiest & J. Kohl (Eds.), *Motivation, intention and volition* (pp. 31-45). Berlin: Springer-Verlag.
- Feather, N. T., & Peay, E. R. (1975). The structure of terminal and instrumental values: Dimensions and clusters. *Australian Journal of Psychology*, 27, 151-164.
- Fagot, B. I. (1978). The influence of the sex of children on parental reaction to toddler children. *Child Development*, 49, 459-465.
- Kohn, M. L., & Schooler, C. (1983). *Work and Personality*. Norwood, NJ: Ablex.
- Lyons, S., Duxbury, L., & Higgins, C. (2005). Are gender differences in Basic Human Values a generational phenomenon. *Sex roles*, 53, 763-778.
- Na, E. Y., & Duckitt, J. (2003). Value consensus and diversity between generations and genders. *Social Indicators Research*, 62, 411-435.
- MacCallum, R. C., Widaman, K. F., Zhang, S., & Hong, S. (1999). Sample size in factor analysis. *Psychological Methods*, 4, 84-99.
- Prince-Gibson, E., & Schwartz, S. H. (1998). Value priorities and gender. *Social Psychology Quarterly*, 61, 49-67.
- Rokeach, M. (1973). *The nature of human values*. New York: Free Press.
- Schwartz, S. H. (1992). Universals in the content and structure of values. In M. Zanna (Ed.), *Advances in experimental social psychology* (pp. 1-65). New York: Academic Press.
- Schwartz, S. H. (1994). Are there universal aspects in the structure and contents of human values? *Journal of Social Issues*, 4, 19-45.
- Schwartz, S. H. (2002). *Education and value priorities*. Unpublished manuscript, The Hebrew University of Jerusalem, Jerusalem, Israel.
- Schwartz, S. H., & Bardi, A. (2001). Value hierarchies across cultures: Taking a similarities perspective. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 32, 268-290.
- Schwartz, S. H., & Bilsky, W. (1987). Universal psychological structure of human values. *Journal of Personality and Social Psychology*, 53, 550-562.
- Schwartz, S. H., Melech, G., Lehmann, A., Burgess, S., & Harris, M. (2001). Extending the cross-cultural validity of the theory of basic human values with a different method of measurement. *Journal of Cross-Cultural Psychology*, 32, 519-542.
- Smith, P. B., & Schwartz, S. H. (1997). Values. In J. W. Berry, M. H. Segall & C. Kagitcibasi (Eds), *Handbook of Cross-Cultural Psychology* (2nd ed, pp.75-118). Boston: Allyn and Bacon.
- Yegletu, S. D., & Raju, M. V. R. (2009). Religiosity, gender Vs Value priorities. *Journal of the Indian academy of Applied Psychology*, 35, Special issue, 125-130.